



پیرامون تصحیح متن و توضیح معنی در آثار نظامی گنجیه ای

(انتشارات توس، ۱۳۶۸ ش)

۸- تصحیح متن و شرح ابیات و تنظیم واژه‌ها و شواهد شعری اقبالنامه و هفت پیکرنیز پایان یافته است که به علت گرفتاریهای روحی و جسمی و مسائل انتشارات هنوز زیر چاپ نرفته و نیازمند بررسی و بازبینی نهائی است. با این توضیح مختصر می‌توان گفت آئینه غیب، نظامی گنجیه ای خود شخصاً به صحت متن و حفظ شکل هنرمندانه و معنی آثار منظوم و منثور فارسی اهمیت خاص می‌داده و از تحریفات آثار خویش نیز دریافته نگران بوده است چنانکه در مثنوی خسرو و شیرین در منظومه مربوط به سبب نظم کتاب، سخن را به تفسیر و بیان موضوع عشق می‌برد و همانجا با ابهامی مبهم و کنایه ای بسیار پوشیده درباره همسر خود آفاق و ترک حکمت ارسطویی از زبانان و مردم خوشخوان می‌خواهد در حفظ صحت ابیات اشعار نظامی نهایت دقت را به عمل آورند. شاعر به زبانی هنرمندانه این موضوع را مطرح فرموده و از لحن خاص سخن نثرین آمیز بهره می‌جوید و درباره نظم خسرو و شیرین می‌گوید:

دکتر بهروز ثروتیان

الاسرار به عنوان مقدمه ای بر شرح مخزن الاسرار با شرح حال و نمونه و چگونگی آثار شاعر به استناد ابیات اشعار خودوی (از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج، تهران انتشارات کلمه ۱۳۶۹).

۵- متن مصحح و شرح ابیات دشوار با سنجش منطقی مضبوط نسخه های مثنوی خسرو و شیرین به همراه شواهد شعری و فهرست واژه‌ها و ترکیبات و اضافات ابیات و ۶۸ صفحه مقدمه (تهران، انتشارات توس ۱۳۶۶).

۶- متن مصحح و شرح ابیات دشوار مثنوی لیلی و مجنون به همراه فهرست واژه‌ها و شواهد شعری و اضافات ابیات و مقدمه کتاب (تهران، انتشارات توس، تابستان ۱۳۶۴).

۷- متن مصحح و شرح ابیات دشوار شرفنامه بدون شواهد شعری و اضافات ابیات و فهرست واژه‌ها (تهران،

هیچ حرفی به از سیاهی نیست

داس ماهی چو پشت ماهی نیست (؟)

هفت پیکر نظامی گنجیه ای

پس از ربع قرن تلاش و کوشش شبانه روزی، گام نخستین در راستای نظامی شناسی برداشته شده و در این هنجار نگارنده کارهای مقدماتی زیر را به تن تنها انجام داده است.

۱- متن و تعلیقات مخزن الاسرار با نسخه بدلها و فهرست الفبایی واژه‌ها و ترکیبات و امثال و شواهد شعری و کشف الابیات چاپ و منتشر شده است (تهران، انتشارات توس ۱۳۶۳ ش).

۲- شرح رمزنامه یا نخستین و دشوارترین بخش از مخزن الاسرار (۱۸ بند نخستین در ۴۲۴ صفحه تهران، انتشارات برگ، ۱۳۷۰).

۳- بیان در شعر فارسی با شواهد شعری حافظ و نظامی به عنوان مقدمه ای بر شناخت نظامی و شرح مخزن الاسرار (انتشارات برگ ۱۳۶۹).

۴- آئینه غیب نظامی گنجیه ای در مثنوی مخزن



چومن بی عشق، خود را جان ندیدم
دلی بفروختم جانی خریدم
ز عشق آفاق را پرود کردم
خرد را چشم خواب آلود کردم
کمر بستم به عشق این داستان را
صلای عشق در دادم جهان را
مبادا بهره مند از وی خمیسی
مگر خوشخوانی و زبانوسی
زمن نیک آمد این گریه نویسد
به مزد من گناه خود نویسد
(خ.ش. بیت ۱۱/۸۰ بند)

همین بیت اخیر معلوم می‌دارد هنرمند سرسخن با همه زیبانویسانی دارد که در طول تاریخ به کتابت آثار شاعر مزد می‌گیرند و حتی زیبانویسان عصر ما که با اغلاط فاحش آثار او را به معرض نمایش می‌گذارند و حرف دل خود را با همه خوشخوانان و حتی زیبانویسانی می‌گویند که در ایات شاعر مَهرا را از مِهرو مَهرا، و کویی را از گویی باز نمی‌شناسند:

از گوی زمین چوبگذری باز
ایرو فلک است در تنگ و تاز
چو دانستم که دارد هر دیاری

ز مهر من عروسی در کناری...
و نخستین کلام وی خطاب به زیبانویسانی است که از سوی خود شاعر برای استنساخ آثارش مشغول می‌بوده‌اند و شاید از همین است که کمترین گشتگی هابا همه بیشترین خوانندگانش - در مثنوی خسرو و شیرین رخ داده است و از آنجا که شاعر آثار هنرمندانه خود را به دربار شاهان و امیران اطراف می‌فرستاده و در زمان وی نیز اوضاع سیاسی-اجتماعی ایران به علت وجود ملوک الطوائفی در ولایات ایران، حالتی استثنائی داشته، ناگزیر از تهیه دستنویسهای مکرر و مختلف بوده چنانکه در آغاز مثنوی مخزن الاسرار مشاهده می‌کنیم این مثنوی را به بهرامشاه حاکم ارزنگان (۵۸۲-۶۲۲ هجری) می‌فرستد.

آنکه ز بهرامی او وقت زور
گور بود بهره بهرام گور (۱۰/۱۷)

ولیکن در پایان مثنوی خسرو و شیرین می‌بینیم حاکم در بند به صله همان مثنوی مخزن الاسرار، آفاق قیجاقی را نزد نظامی فرستاده و او ضمن اظهار این نکته که شیرین عین همان آفاق است در زیبایی و اخلاق، به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید شیرین خسرو در پاکی و زیبایی همانند آفاق من بود:

سبک رو چون بیت قیجاق من بود
گمان افتاد خود کآفاق من بود

همایتون پیکری نبغز و خردمند

فرستاده به من دارای دریند

خ.ش. ۹۴/۱۳۰

از همین جهت است که تصحیح متن آثار شاعر از سوی خود وی در دوره‌های مختلف زندگی او امری طبیعی به نظر می‌آید چنانکه خود نیز در پایان خسرو و شیرین به این آرایش و پیرایش‌های بعدی اشاره کرده می‌گوید چون دیدم کتابهای من دست به دست می‌گردد باز دیگر بازبینی کردم و در هر بیتی نشانه‌ای از سبک سخن و آرایه‌ای از هنر خویش در یادگار نهادم تا ایات من از ایات شاعران دیگر باز شناخته شود.

گذشت از بنامد و هفتاد، یکسال

نزد بر خط خوبان کس چنین فال
چو دانستم که دارد هر دیاری

ز مهر من عروسی در کناری
طلسم خویش را از هم گسستم

به هر بیتی نشانی باز بستم
بدان تا هر که دارد دیدنم دوست

بسیند مغز جانم را درین پوست

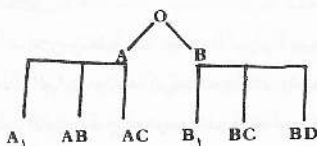
خ.ش. ۹۹/۵۹

و اما اینکه نسخه‌های خطی نظامی در دو گروه متمایز رو در روی هم قرار می‌گیرد. احتمالاً دو نکته جلب توجه می‌کند:

۱- یکی اینکه شاعر نسخه‌هایی به دربار امیران و شاهان فرستاده و نسخه‌هایی نیز از روی همانها استنساخ شده است که این نسخه‌های بعدی نیز خود به سه دسته تقسیم می‌شود. نسخه‌هایی که کاتبان و زیبانویسان درباری نوشته‌اند و گروهی از ایشان شاعر و شعرشناس و مردمانی آگاه بوده‌اند که خود نیز گاهی ایاتی هنرمندانه بر ایات نظامی افزوده و یا کلماتی را به

زعم خود تصحیح و زیباتر و بهتر کرده‌اند و گروهی دیگر غیر شاعر و ناآگاه و فقط زیبانویس بوده‌اند که ای بسا کلماتی را نتوانسته‌اند بخوانند و تغییر داده‌اند؛ نمونه‌های فراوانی از این هر دو گروه مخصوصاً در دستنویسهای شرفنامه دیده می‌شود. و گروهی از اهل علم نیز که شخصاً برای استفاده خود استنساخ می‌کرده‌اند کمتر صورت بیتی را تغییر داده‌اند و فقط در مواردی که غیر قابل فهم بوده بیتی را عالمانه تصحیح کرده‌اند و این گروه بسیار کم هستند.

۲- نسخه‌هایی که در پیش خود هنرمند می‌بوده و یا در طول زمان تصحیح می‌کرده و یا تغییر می‌داده و به گونه و شکلی دیگر به دربارها می‌فرستاده است، همین نسخه‌ها نیز خود در موقع استنساخ‌های بعدی دچار دگرگونی‌هایی شده است و همان سه گروه پیشین در مقابله و نسخه‌برداری این دستنویسها نیز قابل مشاهده هستند و همین امر باعث می‌شود که به صورتی طبیعی آثار شاعر در مرحله نخستین استنساخ به صورت زیر دچار تحریقات می‌گردد:



O نسخ اصلی

A نسخ درباری

A_۱ نسخه‌های دقیق علمایی که برای خود استنساخ کرده‌اند.

AB نسخه‌های دقیق علمای کاتبان درباری

AC نسخه‌های غیر دقیق زیبانویسان

B نسخ شاعر

B₁ نسخه‌هایی که علما برای خود استنساخ کرده‌اند
BC نسخه‌های دقیق کاتبان عالم و آگاه و هنرمند
BD نسخه‌های غیر دقیق زیبانیان

C - نظر بر اینکه قدیمترین دستنویسهای کاملاً شناخته شده حداقل دو قرن با زمان شاعر فاصله دارد. هیچ بعید نیست در این مدت از سوی یکی از امیران و پادشاهان بافضل و فضیلت ایران مخصوصاً در ناحیه ولایت استان فارس و شیراز به تهیه و تصحیح متنی قابل اعتماد فرمان داده شده باشد که باتوجه به وجود دو دستنویس منحصر به فرد در کتابخانه‌های پاریس و آکسفورد، این نظریه نیز باهمه ضعف آن چندان بعید نمی‌نماید.

نگارنده در مدت بیست و چند سال، تأمل و دقت در متن دستنویسهای مختلف^۳ به واقعیتی پی برده است که ناگزیر باید در همین جا اعتراف و بیان بکند و آن اینکه دو دستنویس پاریس به تاریخ ۷۶۳ هجری^۱ و نسخه خطی کتابخانه بودلیان آکسفورد به تاریخ ۷۶۶ هجری^۵، یک وضع استثنایی دارند و صرف نظر از اشتباهات غیر عمدی کاتب، هر دو نسخه بسیار سنجیده و متن و تصحیح شده به نظر می‌آید که متأسفانه ظاهراً کاتب هر دو نسخه یک شخص و شخصیتی به نام احمد بن الحسین بن سان است. البته شواهدی عینی در دست داریم که دستنویس سال ۷۶۶ هجری یعنی نسخه لندن را کاتب از راه گوش می‌شنیده و می‌نوشته^۶ در حالیکه در تحقیق نسخه پاریس به چنین مطلبی برخورد نمی‌کنیم و نسخه پاریس نه تنها اصل قدمت بلکه رکن مهم اصالت و صحت را با خود حفظ می‌کند.

اما آنچه که اینجا باید اعتراف بشود اینست که نگارنده این سطور هر نسخه خطی و چاپی از آثار نظامی را می‌بیند، بی‌درنگ به سراغ بیت دوم و مصراع دوم از بیت دوم مثنوی مخزن الاسرار می‌شاید و چون آنجا به جای «برین» با ترکیب «برو» روبه‌رو می‌شود در صحت و قدمت و دقت نسخه تردید می‌کند. توضیح اینکه در دو نسخه پاریس و لندن آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هست کلید در گنج حکیم

فاتحه فکرت و ختم سخن
نام خداست، برین ختم کن
بیت اخیر در نسخه‌های دیگر تقریباً همه دستنویسها به صورت زیر ضبط شده است.

فاتحه فکرت و ختم سخن
نام خداست، برو ختم کن
همین مصراع معنی نمی‌دهد، «براو» یعنی بر نام خدا؛ هر خواننده و شنونده‌ای با خود می‌گوید چرا نگفته است برو فتح و برو ختم کن فقط گفته است «براو

ختم کن»؟! چرا نباید سخن با نام خدا آغاز بشود و فقط باید با نام خدا پایان پذیرد؟ این کلام منطقی نیست. اما در دو نسخه اصیل و قدیم دیگر که در متون علمی انتقادی با کوبیا علامتهای «ب-ت» اساس قرار گرفته است و نگارنده نیز همان را برگزیده و در تصحیحات و توضیحات خود همانند مثنهای با کوب، هر دو نسخه را اساس قرار داده است بیت مذکور بسیار سنجیده و متین ضبط شده است و معنی سخن نیز صحیح و منطقی به نظر می‌آید که می‌گوید: بسم الله کلید و گشاینده کنزالحکیم (قرآن مجید) و گنج حکیم نظامی (مخزن الاسرار) است و آغازگر سخن و پایان بخش آن نیز نام خدای یعنی بسم الله است، پس ای نظامی بر همین سخن (این سخن) ختم کن که گفتی «فاتحه فکرت و ختم سخن نام خداست» و بگو که:

بیش وجود همه آیندگان

بیش بقای همه پایندگان
الخ. و این روش و این اختلاف با نسخ دیگر در صورت و معنی سنجیده و در جای جای این دو دستنویس مشاهده می‌شود و اگر کسی یکی دو سال در این اختلاف تحقیق کند بی‌گمان به این نتیجه می‌رسد که یکی از دو حادثه زیر رخ داده است:

الف - نظامی گنجه‌ای خود به تصحیح و تغییر متون خویش دست زده و یکی از اعقاب همان نسخه تصحیح شده نیز مستقیماً یا به طور غیر مستقیم به دست احمد، پسر حسین بن سان رسیده است.

ب - گروهی از سوی امیری یا پادشاهی مأمور شده و فرمان یافته‌اند تا متنی صحیح از آثار نظامی تهیه بکنند و نسخه مورد استناد احمد، پسر حسین بن سان نیز مبتنی بر همان متن تهیه شده متین بوده است.

در این مورد دستنویس مورخ ۷۵۴ هجری در کتابخانه ملی تبریز که اقدم نسخ است و یک نسخه مذهب و درباری است می‌توانست یاری بکند متأسفانه جلد اول آن گم شده و فعلاً در دست نیست و فقط یک جلد آن بامثنویهای هفت پیکر و شرفنامه و اقبالنامه فعلاً شناخته شده و به دست ما رسیده است^۷ که آن نیز در ردیف پاران نسخه‌های پاریس و لندن قرار می‌گیرد و دستنویسهای احمد پسر حسین بن سان را تأیید می‌کند. اساساً در مقدمه هر یک از مثنویهای نظامی ذکر کرده‌ام که تا پیداشدن نسخه‌ای از زبان خود نظامی، تشخیص حقیقت امر در بسیاری از موارد بسیار دشوار است و این دشواری نیز به شناخت سبک سخن و هنر شاعر، به مسأله زبانشناسی و معنی‌شناسی و حتی مسائل مربوط به بصیرت شاعر در علوم و فنون مختلف و همچنین توجه هنرمند به موزونی و هماهنگی شکل و آوای حروف و حرکات کلمه‌ها

بستگی دارد. چنانکه شاعر، مثنوی زیبایی هفت پیکر را به گُرب ارسلان حاکم مراغه و صاحب روین دژ اهداء می‌کند و ضمن وصف روین دژ و قیاس آن با قلعه‌ها و دژهای معروف آن زمان ابیاتی می‌گوید که در نسخه ریتر و ریکاه^۸ به صورت زیر آمده است:

چون من از قلعه قناعت خویش

شاه را گنج در کشیدم پیش

در ادا کردن زرجایب

وامدار منست روین دژ

آن نه دژ کعبه مسلمانست

مقدس رهروان روحانست

قاف تا قاف در رسیده‌ او

ز ره‌ی هم زره در رسیده‌ او

۳۵/۵۴

بیت اخیر در نسخه شادروان وحید آمده است^۹:

یافت دریافت نارسیده‌ او

زه‌ره را هم زره در رسیده‌ او

ص ۳۶۶

هیچیک از دو صورت فوق معنی به دست نمی‌دهد و شاید اگر نسخه مرحوم حاج حسین نخجوان به دست ما نمی‌رسید هرگز صورت فرضی مسأله نیز امکان پیشنهاد و ضبط نداشت که در مصراع اول، دو تا شکل «ناقه» بدون نقطه و به صورت زیر نوشته است:

«ناقه در ناهه نارسیده‌ او»

با توجه به بیت بعد که گفته است:

جبل الرحمة زان حریم در است

بوقبیس از کلاه او کمر است

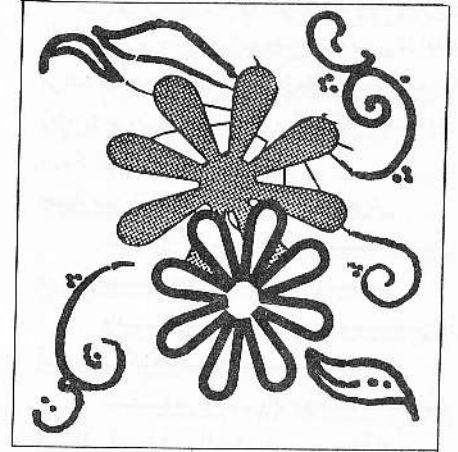
نسبت و تناسب کعبه، بیت المقدس، زرهی (دژی در سیستان)، جبل الرحمة و بوقبیس (دوکوه در حوالی مکه)،

خواننده بیت را به مناسبت آن دو کلمه با این اسامی و در عین حال سازگاری و تجانس آن دو شکل با هم راهنمایی می‌کند که ظاهراً نخستین شکل «یاقه» است و بندر مشهور فلسطین در کنار دریای مدیترانه منظور است که در زمان نظامی و در جنگهای صلیبی دست به دست می‌گشته و استحکام قلعه آن با چهار هزار مرد جنگی زبازند خاص و عام بوده است و شکل بعدی در پی همان کلمه، یاقه (یقه) است به معنی گریبان و می‌گوید: یاقه با آهنگ استحکام و بلندی به گریبان و در واقع سینه دژ روین در مراغه نمی‌رسد و دژ زرهی سیستان نیز در برابر او یعنی روین دژ شکست خورده و زره دریده شده است.

یاقه در یاقه نارسیده‌ او

ز ره‌ی هم زره در رسیده‌ او

لازمست گفته شود که نگارنده در سال ۱۳۴۹ وقتی کار نظامی را شروع می‌کرد با خود می‌انداختم بیشتر از



شش سال طول نمی کشد که تصحیح آن تمام می شود، لیکن وقتی با دنیایی اختلاف نسخه ها و مخصوصاً مشکلات معنی ابیات روبرو گردید با تردید و ترس گام در راهی خطرناک نهاد که سابقه نداشت و تصمیم بر آن داشت که صورت و معنی ابیات را با هم حل بکند و توضیح ابیات مشکل و ابیاتی را که اختلاف نسخه داشتند بر عهده گرفت و در این کار نیز از قانون کلی رعایت نسخه اساس و اقدم از نظر تاریخ و اصالت پیروی کرد. و آنجا که معنی راست نمی آمد به نسخه های دیگر روی آورد و ای بسا گاهی کلمه ای را بیرون از دایره همه نسخه ها صحیح تشخیص داده در داخل [چنگک شک و تردید] قرار داد و سه کار را با هم انجام داد:

الف - ضبط صورت صحیح و اثبات شده از نظر صورت و معنی، در متن.
ب - ضبط کلیه اختلاف نسخه ها در حاشیه، مگر در موارد کاملاً زاید و استثنایی.

ج - شرح و توضیح ابیات مخصوصاً در صورت وجود ابهام در صورت و معنی بیت، این روش اخیر در عالم تصحیح سابقه نداشت و نگارنده یک روش بی سابقه دیگر نیز بر آن افزوده و آن کاربرد علامات [ظ] یعنی ظاهراً [۹۱] بود یعنی معنی یا صورت بیت مبهم است و من ندانم و ذکر گردید که اشکال بیت در کجاست تا آیندگان و علاقه مندان به کار نظامی شناسی به حل مشکلات بکوشند و از همین جهت است که پس از گذشت ربع قرن هنوز هم کارت تصحیح و شرح دو مثنوی ناتمام مانده است و شرح بخشی از مخزن الاسرار را بر کارهای انجام شده افزوده است تا راه گشاده تر و هموارتر گردد^{۱۰}. شاید برای کسانی که در گود کار نظامی شناسی وارد نشده اند و دورا دور می نگرند این سخنان اندکی نامفهوم باشد لیکن اگر خود مستقیماً در همان ابیاتی بنگرند که علامت مفهوم نشد به همراه دارد خواهند دید که گاهی حتی تشخیص یک نقطه هفته ها و ماهها

کار لازم دارد چنانکه در صفت خزان و وفات لیلی (بند ۵۸) بیتی در دستنویسها به صورت زیر ضبط شده است:
روباه زره فنناده در راه

آلوده به خون چوموی روباه

۵۸/۱۱

و در دو نسخه پ: روباه رزه ج: روباه زرز.

نگارنده در تعلیقات مربوط نوشته است:

بیت ۱۱ - روباه زره: (؟) (روباه رزه؟)

آنگاه با عنوان «یادداشت» نظر احتمالی خود را در ده دوازده سطر افزوده و توضیح داده است که ظاهراً این ترکیب ناظر بر گونه ای انگور یا گیاهی مخصوص است و اما پس از چاپ لیلی و مجنون در حالیکه همین اشکال نیز همانند هزاران مشکل لاینحل دیگر با مصحح همیشه در گردش بوده و ذهن نگارنده رابه خود مشغول داشته بود، در یک روز پاییزی و در اواخر آن با بوته ای در دامنه کوههای البرز روبرو گردیدم که برگچه های کوچکی چون گوجه فرنگی و میوه هایی نیز مانند گوجه فرنگی و به اندازه دانه انگور داشت با توجه به نام آذری آن «قوش اوزومی» با خود اندیشیدم شاید «روباه رزه» نیز همین گیاه باشد با مراجعه به فرهنگها با دو ترکیب غلب الثعلب و سگ انگور در برابر «قوش اوزومی» رویه رو شدیم و متوجه گردیدم که رزبارزه همان تاک انگور و روباه نیز ترجمه ثعلب است و روباه رزه صحیح و ترجمه غلب الثعلب است و فارسی درست آن نیز همان روباه رزه است. باید گفت که پس از حل هر مشکلی همان آسان به نظر می آید و آسان دیگری به صورت مشکلی دیگر جای آن را می گیرد چنانکه در همین مثنوی لیلی و مجنون تصحیح کلمه دیگری نیز از روی نسخه ها ممکن نگردیده و معنی آن بحث خسته کننده ای پیش آورده است آنجا که پسر نظامی پیش شاعر می آید و از وی می خواهد تا مثنوی لیلی و مجنون را به نظم بکشد:

آن گوهر سرخ صبحگاهی

بنمود سپیدی از سیاهی

آن گوهر کان گشاده من

پشت من و پشت زاده من

گوهر به کلاه کان برافشانند

وز گوهر کانی شه سخن راند

۸/۳

ترکیب «کلاه کان» در نسخه های معنی به نظر می آمد با بحثی دراز در صفحات ۴۰۸ و ۴۰۹ تعلیقات، معنی اشک و گریستن با چند معنی فرضی و اشتباهی دیگر پیشنهاد شده است لیکن پس از سالها تلاش و کنکاش معلوم شد که لفظ «گللاه=گلاره» به سکون اول یک واژه گردی و به معنی مردمک چشم است و در

کردی «گللاکم=چاوکم» یعنی نور چشم من و فرزند من است و بیت به صورت زیر صحیح است:

گوهر به گللاکان برافشانند

وز گوهر کان شه سخن راند

یعنی فرزندم گریست و از جواهرات سلطنتی و به

تعمیری فرزند شاه و یا کتاب و نسخه خطی لیلی و مجنون سخن گفت... الخ

البته شرح این مطلب که چگونه معلوم گردید در اورامان «گلاره» و در محمود حق از اطراف میان دو آب «گللاه» تلفظ می شود خود حدیث مفصلی دارد و همانند صدها نکته و نقطه دیگر از حل مشکلات نظامی داستانها و حکایتها می سازد که ناگفتنی است چنانکه در بیستم آبانماه ۱۳۶۴ شمی از شبهای پاییزی که شهر تبریز دچار بمبارانهای کشور همسایه عراق شده بود، چاه آشپزخانه ام فروریخت و ساعت ۳/۵ بعد از نصف شب همان حادثه ضمن تصحیح بیتی نقطه ای بر کلمه ای نهاده معنی و صورت بیت را صحیح و سالم یافتم و در ذیل یادداشت و پیش نویس بیت مورد نظر شرح ماجرا را نوشته و در همانجا یاد آوری کرده ام که اگر خانه ام خراب می شد و این نقطه را می یافتم اهمیتی نداشت زیرا که در برابر بیت چهار بار در سالهای ۱۳۴۹، ۱۳۵۴، ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ نوشته بوده ام «مفهوم نشد»^{۱۱}.

لازمست گفته شود که نظامی خود به امکان گشتگی واژه ها متوجه بوده و گاهی به عمد آنها را در قافیه قرار می دهد تا به گونه ای دیگر خواننده نشود چنانکه «کوز و کیود» که در متون فارسی اغلب به صورت «کور و کیود» راه یافته است:

هان تا نفریبند این عجزوت

چون خود نکنند کیود و کوزت

۵۸/۹۲

یا لفظ کُرد:

گرما در من رئیس کُرد

ما در صفتانه پیش من مرد

و گاهی قرآینی در بیت می گذارد تا خواننده را به

درستی کلمه و چگونگی آن راهنمایی بکند. چنانکه در خسرو و شیرین، شکر اصفهانی، خسرو را پند می دهد که یکسال سیر بخورد تا بوی بد دهانش از میان برود و آنگاه خود شاعر برای آنکه سیر با شیر در معنی کبن غلط نیفتد کلمه سوسن را در بیت می آورد که سیر خود از تیره سوسنی ها و گیاهان پیازدار است:

به سوسن بوی گفنا شه: چه ندبیر؟

سمنبر گفت: سالی خوردن سیر

در این مورد نیز لازم است گفته شود نگارنده برای

دریافت محل و چگونگی ابیات و معانی آنها، اغلب به

گوافلک برده زگاوزمین

(مخزن الاسرار معراج النبی «ص»)

حقیقت اینست که گاهی فقط قدمت یا اصالت نسخه مسأله را حل نمی‌کند بلکه فهم شکل خیال شاعر و پی بردن به معنی واقعی بیت و مقصود نهایی و نهایی هنرمند باید اساس تصمیم‌گیری را تشکیل بدهد و تنها در این صورت است که حتی اگر مضبوط اکثریت و اقدم نسخ نیز انتخاب بشود باید هم اختلاف نسخه‌ها ضبط بشود و هم بیت با توضیحی قانع‌کننده همراه باشد تا خواننده بیت با اطمینان خاطر آنچه را که می‌خواند بپذیرد و پژوهنده نیز با اعتماد کامل گام بردارد و اظهار نظر نماید، بنابر این هر آن متنی که بدون نسخه بدلهای چاپ و منتشر می‌شود و یا با توضیح همراه نیست فاقد ارزش علمی است و نمی‌تواند نحوه کار و روش اندیشه مصحح و علت ترجیح او را بیان بکند. برای مثال در برخی از نسخه‌های خطی و چاپی بیتی از نخستین منظومه مخزن الاسرار به صورت زیر آمده است که نظامی گنجی‌ای از آفرینش شب و روز سخن می‌گوید:

در هوس این دوسه ویرانه ده
کار فلک بود گره بر گره

تا نگشاد این گره وهم سوز

زلف شب ایمن نشد از دست روز

مخزن الاسرار ۱/۲۵

در مصراع اخیر «دست روز» مضبوط چهار دستنویس اقدم و متأخر است و در نسخه چاپی مرحوم وحید نیز به همان صورت چاپ شده است و ظاهراً هیچ مشکلی پیش نمی‌آورد لیکن هنگامی که متوجه می‌شویم در چند نسخه دیگر و از آن جمله در نسخه اساس پاریس (۸۷۶۳هـ) به شکل زیر ضبط شده است:

تا نگشاد این گره وهم سوز

زلف شب ایمن نشد از روی روز

مخزن الاسرار ۱/۲۵

طبعاً شکل بالا جلب توجه می‌کند علی‌الخصوص که در دستنویسهای اساس و اقدم ب-ت ضبط شده است، لیکن ضبط همین شکل بدون ذکر اختلاف نسخه‌ها در حاشیه و بدون ارزیابی و معرفی نسخه‌های خطی در مقدمه کتاب و مخصوصاً در صورت فقدان استدلال و شرح و توضیح قانع‌کننده در پایان کتاب، نه تنها از سوی خواننده پذیرفته می‌شود ای بسا خواننده بیت را دچار سرگشتگی می‌کند و هیچ نمی‌تواند تصمیم‌گیری بکند زیرا کسی که منظومه‌ای را می‌خواند یا دنبال تحقیقی در معنی ابیات و اندیشه‌های شاعر می‌گردد امکان وقت و حوصله تحقیق در نسخه‌ها را ندارد و در شناخت شاعر و شعر او نیز دوره تخصصی نگذرانده است و ای بسا دارای تحصیلات

زبان ترکی و کردی و فارسی را بدانند و با زبانهای عربی ارمنی و یونانی و روسی آشنایی داشته باشند، جغرافیا و مخصوصاً جغرافیای تاریخی و فلسفه و حدیث و کلام و اصول و فقه و اخبار و احادیث و آیات را خوانده باشند و در اصول تحقیق و تصحیح نیز از نزدیک تمرین عملی داشته باشند، البته باز جای حرف است و سرسری نمی‌توان گذشت و باید فهمید نظامی چه می‌گوید مثلاً آنجا که می‌خواهد بگوید بالا تر از سیاهی رنگ نیست بیتی. به شکل زیر می‌سازد و در هفت پیکر می‌گوید:

هیچ حرفی به از سیاهی نیست

داس ماهی چوبشت ماهی نیست

باید حتی روش اندیشه و علت ظهور حرف و ماهی و پشت ماهی و داس ماهی در بیت مورد تحقیق قرار گیرد تا معنی به دست آید. و حتی تشخیص اینکه در دو بیت زیر «شیر» به معنی لبن و شیر خوردنی است و پلنگ و پلنگی نیز جامه و یا گستردنی گیاهی و حصیرباف است آسان به نظر نمی‌آید و حتماً لازم است با سبک خاص شاعر در ساختن ابهام تناسب آشنایی داشته باشیم:

آن خور و آن پوش چوشیر و پلنگ

کاوری آن را همه ساله به چنگ

نیفت آهو چوبلنگی به زیر

نافه آهوشده زنجیر شیر

در این مورد اگر قرار بر ارائه مشکلاتی از ابیات شود که حل هر یک از آنها هفته‌ها و ماهها طول کشیده و شاید برای نخستین بار معنی منطقی قانع‌کننده‌ای به دست آمده است باید حداقل از هر ده بیت یک بیت برای نمونه ذکر شود و با شرح‌ها و حاشیه‌هایی که نوشته‌اند مقایسه گردد تا کیفیت موضوع روشن گردد که گاهی اثبات یک معنی صفحات زیادی کاغذ لازم دارد:

سرمه بیننده چونرگس نماش

سوسن افسی چوزمرد گباش

اما اگر قرار بر بیان ابیاتی باشد که هنوز حل نشده است و باید به آراء عمومی پژوهشگران ادبی و بررسی دسته جمعی برده شود آن نیز شاید در شش مثنوی کمتر از سه هزار بیت نباشد و همین نشان می‌دهد که اگر عبدالرحمان جامی گفته پانصد بیت را معنی ندانسته و در قیامت باید از نظامی بپرسد، ظاهراً مربوط به مخزن الاسرار نخستین اثر هنرمند گنجی بوده است و یا اینکه به تحقیق گام برنداشته است.

شب شده روز اینت بهاری شگرف

گل شده سرو اینت سواری شگرف

پای شد آمد به سرانداخته

جان به تماشای نظر تاخته

گوهر شب زابه شب عنبرین

واژه‌ها و ترکیبات قابل توجه را یادداشت کرده فهرستی الفبایی در پایان کتابها ترتیب داده است تا در صورت لزوم پژوهنده به آسانی بیت مورد نیاز را با شرح آن به دست آورد چنانکه در مورد مذکور شماره بیت و بند آن در ذیل ترکیب سوسن بوی (۶۳/۷۶) و جمله «سیر خوردن بوی دهان را می‌برد» (۶۳/۷۶) ذکر شده است و توضیح همان بیت نیز در صفحات ۹۵۷ و ۹۵۸ تعلیقات خسرو شیرین یادداشت گردیده است. باید گفت اساسی‌ترین راهتمای حل معضلات مربوط به تصحیح آثار نظامی نیز همانند هر شاعر و هنرمند دیگر درک معنی بیت و فهم هم شکل بودن گروهی حروف در الفبای فارسی است:

ب پ ت ث ج چ خ گ ک د ذ ر ز و... الخ.

در این مورد باید گفت تشخیص «ک» از «گ» با اندکی آشنایی به اندیشه هنرمند بسیار آسان است: چنانکه همه جا گوی به صورت کوی نوشته شده است:

از گوی زمین چوبگذری باز
ایروفلک است درتنگ و تاز

همان گوی را مرد هیئت شناس

به شکل زمین می‌نهد در قیاس

اما تشخیص «ک» یا «گ» از «د» واقعاً دشوار است و روزها و هفته‌ها کوشش و تأمل لازم دارد. برای مثال بیتی در نسخ چاپی به صورت زیر ضبط شده است:

زید ارچه بکار خویش درماند

با مجنون نیز نقش می‌خواند

«به کار» در دستنویسهای اقدم و اساس به صورتهای زیر آمده است:

زید/ ایرید/ ایرند..

تشخیص اینکه «به» حرف اضافه است و هیچیک از

حروف «ب - پ - ت - ث» نیست و «زید و ایرید و زید»

نیز در اصل «زیگی» بوده است زحمت و وقت لازم داشت و حقیقتاً وقت گیر بوده است تا بدانیم همین واژه در عربی به «زیج» بدل شده و یک اصطلاح نجومی و یا مربوط به قالیبافی است و مجموعه نهیهای رنگینی است که از بالای سردار بست قالی آویخته می‌شود و با خواندن نقش قالی از سوی قالیبافان به سرعت در زمینه قرار می‌گیرد و گره می‌خورد و در بیت مورد بحث می‌گوید:

«زید اگر چه زیگ خویش درمانده شده و در کار

عشق خود شکست خورده بود با مجنون نیز نقش قالی

می‌خواند و او را به گفتن غزل و ایجاد رابطه با لیلی

راهتمایی می‌کرد».

حقیقت اینست که کار معنی در آثار نظامی، گروهی متخصص مرکب از حداقل دوازده نفر لازم دارد که در علوم مختلف متبحر باشند و زبانشناسی و تاریخ و لغت و فنون بلاغت و طب و نجوم و موسیقی و کتابیات عرفی سه

مقدماتی درک کیفیت مسأله نیز نیست و بر همین اصل شاید بسیار ساده شکل خیالی زیر را بپذیرد که روز به صورت انسانی مجسم شده است که دست در زلف شب انداخته (استعاره) و شب نیز خود به صورتی دخترتری پیش چشم بوده است که زلف دارد و زلفش در چنگ روز افتاده بود و او را رها نمی کرد تا اینکه گره هم سوز فلک گشاده گشت و زلف شب از دست روز ایمن گردید و رهایی یافت و جدا شد. لیکن وقتی که در تعلیقات بیت می بینیم نوشته شده است:

۱/۲۵- زلف شب و روی روز هر دو اضافه تشبیهی است به ترتیب با وجه شبه های سیاهی و سپیدی شاعر، شب و روز را پیش از آفرینش آن دو، به صورت رویی سپید که زلفی سیاه آن را فرا گرفته بوده مجسم می کند. در صورتیکه مضبوط نسخ متأخر ظاهراً شاعرانه تر است لیکن مراد و مقصود شاعر را نمی رساند. در جمله «زلف شب ایمن نشد از دست روز»، هر دو ترکیب به اضافات استعاری بدل می شود و گویا شب چون عروسی بوده که زلف وی از دست دامادی چون روز آسودگی نداشت و این برای هر دو شخصیت شب و روز استقلال وجودی می دهد که مغایر منطقی گوینده است و نسخ بعدی منوجه این نکته نبوده اند.

در این تحقیق هنگامی که می دانیم شکل «روی روز» از روی نسخه های خطی - ب ت ث ج خ - ضبط شده است که در تاریخهای زیر نوشته شده اند: ۷۶۳-۷۶۶ هـ. قرن نهم- ۸۳۵ هـ. و ترکیب «دست روز» مطابق نسخه های خطی - پ ج ح ذ - صحیح است و در حاشیه آمده است که به ترتیب در زمانهای زیر ضبط شده اند: ۷۶۷ هـ. قرن دهم- قرن دهم- بدون تاریخ و متأخر... البته باید گفت اینهمه تا پیدا شدن نسخه ای از خود شاعر یا نزدیک به زمان شاعر دارای ارزش و اهمیت است و یا اینکه امید هست مصحح و پژوهنده ای دیگر با روش و اسلوبی بهتر و منطقی تر و نوآور گام پیش نهد و ما را به حقیقت غیر قابل انکار امر راهنمایی بکند.

البته نباید ناگفته گذاشت که مصحح در بادی امر دچار لغزشهایی شده و مضبوط نسخه اساس پاریس (مورخ ۷۶۳ هـ. با علامت -ب-) را متعصبانه اثبات کرده و در صدر قرار داده است لیکن پس از پیدا شدن نسخه خطی مرحوم نخجوانی، به امکان غلط بودن و تحریف همان دستنویس پاریس نیز اندیشیده و عیب تعصب انگیز کار خود را فهمیده است که مسلماً در تصحیحات بعدی- اگر عمری باقی باشد- این امر ملحوظ می گردد و یا هر آن کس دیگری که در این خطر افتد باید رعایت نماید چنانکه در یازده نسخه چاپی و خطی - پ ت ث ج ح خ ذ - پس از سبیتی به صورت زیر آمده است:

زآتش و آبی که به هم در شکست پیه درو گرده یاقوت بست

و تنها از روی نسخه اساس - ب - بیت به صورت زیر ضبط و چاپ و منتشر شده است که غلط است:

زآتش و آبی که بهم بر شکست پیه درو گرده یاقوت بست

۱/۳۱
آنگاه در صفحه ۲۶۵ تعلیقات مخزن الاسرار آمده است:

۱/۳۱- «بهم بر شکستن» در معنی ترکیب شیمیائی برابر نسخه اساس- صحیح به نظر می رسد اگر چه همین بیت بعنوان شاهد برای «بهم در شکستن» در بعضی فرهنگها ضبط شده است.

بهم در شکستن، برعکس مفهوم تجزیه را به همراه دارد نه با هم آمیختن و ترکیب یافتن را... اینجاست که لزوم فرهنگ بسامندی و یا فرهنگ کامل از همه کلمات و اصطلاحات و ترکیبات و حتی کلام نظامی خودنمایی می کند که دانشکده ادبیات با کو از قرار مسموع به این مهم دست یازیده و در هفده سال گذشته با همت گروهی این کار را انجام داده است لیکن ترس از آنست که واژه بندی ایشان نیز بر اساس نسخ غلط استوار باشد همچنانکه نگارنده خود هفت سال از بهترین دوران عمر جوانی را از روی نسخه های مرحوم وحید بر سر این کار گذاشت و اکنون هفت مجلد فهرست واژه ها را با دو جلد معنی سنجی شده در زیر زمین خانه تخته بند کرده است و هرگز صلاح نمی داند در دسترس مردم قرار گیرد.

در مورد همین فرهنگ نویسی نیز باید گفت بدون تخصص در امر معنی شناسی نظامی گنجی ای و بدون تخصص در کار تشخیص ظاهر و باطن ابیات، حرکت کردن مسلماً نتیجه کاملاً مطمئنی به دست نخواهد داد چنانکه در دستنویسهای - ت ث ج ح خ ذ - آمده است:

شیرسگی داشت چون بوگرفت سایه خورشید بر آهو گرفت

و در قدیمترین دستنویسها و نسخه اساس آمده است:

شیرسگی داشت که چون بوگرفت سایه خورشید بر آهو گرفت

مسلماً معنی «بوگرفتن» سگ و یا «بوگرفتن سگ» دو مفهوم کاملاً متمایز از هم دارد که اساساً وجود شواهد و امثال دیگر و سابقه ذهنی پژوهشگر این مشکل را حل می کند و «بوگرفتن» را در معنی راه رفتن می پذیرد، در حالیکه در نسخه چاپی نگارنده، خود «بوگرفتن» پذیرفته شده و ناشی از همان تعصب و یا تازه کار بودن وی در زمانی قریب به دوازده سال پیش بوده است. «حال سایه خورشید بر آهو گرفتن» نیز خود جای بحث خود را دارد که

کنایه است از رسیدن به چیزی و زیر گرفتن آن و اینکه می گوید چون سگ به رفتن و دویدن می آغازید همانند از شدت سرعت بر پشت آهو قرار می گرفت و نمی گذاشت سایه خورشید یا سایه عنایت خورشید بر روی آهو بیفتد و بالکنایه یعنی سریعتر از خورشید حرکت می کرد و شکار را دنبال می نمود و اینکه مراد از خورشید نیز نور خورشید است مجازاً و به علاقه ملازمت، باز نیازمند مقدمات کار است تا در فرهنگ نظامی ضبط گردد:

بوگرفتن: دویدن، شتافتن و تاختن..

سایه خورشید بر آهو گرفتن: از نور سریعتر و تندتر رفتن و آهو را در زیر گرفتن و...

(دنباله دارد)

پی نوشت ها

- ۱- خسرو و شیرین، تصحیح بهروز ثروتیان، انتشارات توس، ۱۳۶۶ تهران.
- ۲- مخزن الاسرار، تصحیح بهروز ثروتیان، انتشارات توس ۱۳۶۳ تهران.
- ۳- غرض از این دستنویسها، نسخه های خطی موجود در دانشگاه تهران و کتابخانه ملی تبریز و نسخه هایی است که در متن های علمی و انتقادی چاپ آذربایجان شمالی آمده است و مخصوصاً نسخه هایی که متن آنها را شادروان عبدالکریم علی اوغلی علی زاده و دیگران ترتیب داده و نسخه بدلها را به دقت و بی کم و کاست در باورنی نقل کرده اند. همچنین متون چاپی دیگری که به قدمت و اصالت آنها اشاره شده است لیکن فاقد ارزش علمی بوده و از ارائه گشتگی ها و اظهار نظر درباره تحریفات و تصحیحات خودداری کرده اند.

- ۴- کتابخانه ملی پاریس به شماره supplement Persan 1817
- ۵- کتابخانه بودلیان درآ کسفورد. cuseley 275

- ۶- ر. ک، مخزن الاسرار، تصحیح بهروز ثروتیان، ص ۲۹ ارزیابی نسخه ها.

از آن جمله است، در مخزن الاسرار

- پر// فریبیت ۲۵/بند ۲۵. جهه// جهت بیت ۳۰/۴۴. بند. تیش// تیش بیت ۳۳/بند ۳۱. بگشتن درند// بگشت اندرند. بیت ۳۰/۲۲. بگشتن درند// بگشت اندرند. بیت ۳۰/۲۲. الخ

- ۷- ر. ک: شرقنامه، تصحیح و توضیح بهروز ثروتیان، چاپ تهران، انتشارات توس ۱۳۶۸، ص ۴۷ ارزیابی نسخه ها. توضیح اینکه این نسخه به شماره (۴۰) در دفتر کتابخانه ملی تبریز ثبت شده است و متعلق به نسخ خطی شادروان حاج حسین نخجوانی است.

- ۸- چاپ ۱۹۳۴ استانبول- مطبعة دولت، از نشریات موسسه شرقیه چکسلواکیا در پراگ.

- ۹- چاپ علی اکبر علمی. سال؟

- ۱۰- شرح مخزن الاسرار ج ۱، انتشارات برگ، تهران ۱۳۷۰

- ۱۱- بیت منظور در خسرو و شیرین و در تمام نسخه ها به صورت زیر آمده بود:

زخالش چشم بد در حال رفتنه
چو دیده نقش او از فال رفتنه